

۱۳۶۴۱۷۷

ضرب المثل های شمال فارس

حمید آزاده

www.ketab.ir

انتشارات نوید شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	: آزاده، حسین، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ضرب‌المثل‌های شمال فارس / حسین آزاده
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۲۷-۶
سبب فهرست نویسی	: فیبا
بازداشت	: چاپ دوم.
موضوع	: ضرب‌المثل‌های ایرانی -- فارس
رده‌بندی کنگره	: PIR۸۶۹۵/۴ ض ۴ ۱۳۹۴
رده‌بندی دبیری	: ۳۹۸/۹ فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۹۹۰۰۰



ضرب‌المثل‌های شمال فارس

حسین آزاده

صفحه آرای: نجمه اسکندری □ لیتوگرافی و چاپ: واصل
تیراژ: ۱۵۰۰ جلد □ (چاپ دوم) اول ناشر: ۱۳۹۴ □ حق چاپ محفوظ
ناشر: انتشارات نوید شیراز

با همکاری قطب علمی پژوهش‌های فرهنگی ادبی فارس
دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۳۲۲۶۶۶۱-۳۲۲۶۶۷۶ نمابر
دفتر تهران - تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰ نمابر ۲۱-۸۸۹۲۱۵۲۲

پست الکترونیکی: Navideshiraz.Pub@Gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۲۷-۶ ISBN: 978-600-192-527-6

۱۰/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	دیباچه
۹	ضرب‌المثل‌های شمال فارس از نگاه استاد ابوالقاسم فقیری
۱۱	نگاهی اجمالی به ضرب‌المثل‌های فارس
۱۵	مقدمه
۱۹	حرف (الف)
۳۷	حرف (ب)
۶۲	حرف (پ)
۶۶	حرف (ت)
۷۷	حرف (ج)
۷۸	حرف (چ)
۸۲	حرف (ح)
۸۹	حرف (خ)
۱۰۰	حرف (د)
۱۰۸	حرف (ر)
۱۱۱	حرف (ز)
۱۱۴	حرف (س)
۱۱۷	حرف (ش)
۱۳۲	حرف (ع)

۱۳۴		حرف (ف)
۱۳۵		حرف (ق)
۱۳۷		حرف (ک)
۱۵۲		حرف (گ)
۱۵۷		حرف (ل)
۱۵۹		حرف (م)
۱۶۵		حرف (ن)
۱۷۳		حرف (ه)
۱۸۲		حرف (ی)
۱۹۱		نهرست واژگان

www.ketab.ir

دیباچه

چه بسیارند افرادی که نام و آوازه را ندارند، اما زادگاه خویش را با وجود گمنامی پُرآوازه می‌سازند. آن‌هایی که به اشکال گوناگون از فرهنگ مردم، بویژه فرهنگ فولکلوریک می‌گویند و می‌نویسند و تلاش دارند، که سنت‌های زیبا از یادها و خاطره‌ها فراموش نشده و نسل امروز و فردا از تجربه را با رسوم پیشینیان بی‌بهره نماند. این دل‌باختگان فرهنگ عامه، الزاماً محقق پژوهشگر نیستند اما، عموماً سینه‌هایی لبریز از پند و اندرز در قالب مثل‌ها و حکایات دارند. داشته‌ها و باورهایی که برای عبرت‌آموزی و پرهیز از خطا و تکرار اشتباهات گذشته ما را به حکایت‌هایی که سینه به سینه نقل شده و اکنون چون گنجینه‌ای گران‌بها در خانه راویان محفوظ مانده است، برماست که در صیانت از این دستاوردها، اهتمام ورزیم.

کتاب ضرب‌المثل‌های شمال فارس که اکنون به زیور چاپ آراسته می‌گردد و حاصل گفتگوی نویسنده با اهالی بافرهنگ این منطقه، بخصوص پیران و سالخوردگان روستاها است و در این راستا، بنیادفارس‌شناسی، ضمن ارج نهادن به تلاش‌های ارزنده در معرفی ابعاد مختلف فرهنگ فارس، از دیگر علاقمندان و پژوهشگرانی که تحقیقاتی در این زمینه دارند، صمیمانه دعوت به همکاری می‌نماید. هم‌چنین با

اغتنام فرصت، به همه پیشینیان عرصه‌ی فرهنگ عامه که سالیان طولانی به جمع‌آوری آداب و رسوم این دیار پرداخته‌اند، درود می‌فرستیم و از نویسنده‌ی محترم این کتاب، جناب آقای حسین آزاده که از جمله پژوهشگران دلسوز و خستگی‌ناپذیر، با رویکرد تحقیقات میدانی عرصه فرهنگ هستند، سپاس‌گزاری کرده و آرزوی توفیق روزافزون می‌نمائیم.

دکتر علی‌اکبر صفی‌پور

مدیر عامل بنیاد فارس‌شناسی

www.ketab.ir

ضرب‌المثل‌های شمال فارس از نگاه استاد ابوالقاسم فقیری

ضرب‌المثل و ضرب‌المثل‌ها از جلوه‌های خاص فرهنگ مردم است که از زمان‌های دور مردم این سامان آن‌ها را در مکالمات روزانه خود به کار گرفته و اکنون هم در محاورات مردم کوچه و بازار دیده می‌شوند.

مردم کوچه و بازار با به کار بردن ضرب‌المثل‌ها تأکیدی دارند در بیان مطلبشان، به عبارتی از این ضرب‌المثل‌ها کمک گرفته می‌کنند تا به خود را بیشتر به مخاطب حالی کنند.

این ضرب‌المثل‌ها را در گستره ایران همیشه جادان مشاهده می‌کنیم، که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد.

الف. دسته‌ای که در گوشه و کنار ایران با گویش‌های گوناگون شنیده می‌شوند که اگر آن‌ها را به فارسی امروز درآوریم خیلی از آن‌ها به یک ریشه مشترک می‌رسند.

ب. دسته‌ای که ویژه محل است، رنگ و بویی محلی دارند و کاربردشان تنها در آن محل است. در ارتباط با ضرب‌المثل‌ها و زبانزدها این نکته هم حایز اهمیت است که اکثر آنها همراه با داستان‌هایی است که تعدادی از آنها جمع‌آوری شده و به دست علاقه‌مندان رسیده است که در این دفتر هم این داستان‌ها را می‌بینیم. دکتر حسن ذوالفقاری (مدیر دایره‌المعارف) به‌ش‌های فارسی) در تعریف مثل چنین می‌نویسد: «مثل جمله‌ای است کوتاه با مضمونی حکیمانه حاوی اظهار نظر یا عقیده‌ای کلی، پندآموز که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنی و موسیقی کلام، میان عامه مردم مشهور شده است و آن را با تغییر جزئی یا بدون تغییر در گفتار خود به کار می‌برند و به آن استناد می‌کنند.» نگارنده هم بر این باور است که ضرب‌المثل مجموعه کلماتی است که در جوار هم نشسته و جمله‌ای را فراهم می‌آورند. این در صورتی که جاذبیتی خاص داشته باشد، مورد توجه مردم قرار گرفته و اقبال عامه را پیدا می‌کند و سر زبان‌ها می‌افتد.

پیشکسوتان جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها:

۱. علی اکبر دهخدا با کتاب امثال و حکم
۲. مهدی پرتوی آملی با کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم
۳. امیرقلی امینی با کتاب‌های فرهنگ عوام: داستان‌های امثال
۴. ابوالقاسم انجوی شیرازی: احمد و کیلیان با کتاب‌های تمثیل و مثل (ج ۱ و ۲)
۵. دکتر صادق کیا با ویراستاری مجمع‌الامثال
۶. امین خضرائی با کتاب فرهنگ امثال و حکم ایرانی
۷. ابراهیم شکورزاده با کتاب دوازده هزار مثل فارسی
۸. احمد شامل با کتاب کوچه

۹. احمد ابرینی با کتاب فرهنگ نوین مثل‌های فارسی رایج در کرمان

۱۰. جعفر مهرم با کتاب قند و نمک (ضرب‌المثل‌های تهرانی)

دوستداران فرهنگ مردم فارس اینک یکی بعد از دیگری با دستی پر وارد عرصه هنر بومی می‌شوند. جایی رستم به در زمینه فرهنگ مردم در فارس بیشترین کار شده است. حسین آزاده با کتاب (قصه‌های فارس) ثابت کرد که از علاقه‌مندان دلسوز فرهنگ بومی فارس است. حوزه کاری آزاده مزدشت تا نزدیکی‌های آباده می‌باشد. حوزه‌ای بکر که روی آن زیاد کار نشده، به ریزه‌کاری‌های گویشی زبان مردم آشناست. کاش می‌فهمد و از این به بعد برای کارهای او در این زمینه باید حساب ویژه‌ای باز کرد.

نامبرده اینک در همان منطقه اقدام به جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های مربوطه بدان‌ها نموده است نکاتی را با ایشان در میان نهاده‌ام که قبل انجام آنها را داده‌اند. از جمله آوانویسی واژگان محلی

ضمن آرزوی توفیق برای محقق ارجمند آقای حسین آزاده، امیدوارم این مجموعه مورد توجه دوستداران فرهنگ مردم قرار گیرد.

ابوالقاسم فقیری

نگاهی اجمالی به ضرب‌المثل‌های فارس

یادت بخیر پدر می‌گفتم، سر خارها را تیز کردی! (متبستم می‌شدم؛ چشم می‌انداختی که: باید هم بخندی!)

نوجوان بودم تشر می‌زدی، (آره را می‌کردی!) دلگیر می‌شدم به مادر پناه می‌بردم، کنایه می‌زدی (بزن که دمش به داس می‌برد)
چه می‌دانستم از کجا و چه می‌گویند کسی که به زن کرده (پی‌پتی) را برد، رسیدم چه را چگونه می‌گفتی. دیر آمدم پدر تو رفته بودی! (اون در گذرگاه زمان دریافتم: شکسته استخوان داند بهای مومیایی را!)

و دریغا! ملامت‌ها و سرزنش‌ها، نیش و نوش‌ها و نادره گزاف‌ها، شیرین‌تر از قند و عسل رفیق راه بودند و ما تنها سفر کردیم!

و ای همه‌ی شما اکنونیان روزگار! میراث نیاکان قومی حکیم: (اندوازه را دریابید که فانوسی است فراروی روندگان و آیندگان!)

و می‌دانید: در مثل مناقشه نیست، باید سرد و گرم روزگار را چشیده باشی تا تأثیر ضرب‌المثل و بن‌مایه‌های عبرت‌انگیزش را درگیر و دار این روزگار وانفسا دریایی و بدانی یک من ماست چقدر کره دارد!

ضرب‌المثل‌هایی که دوست مردم‌اند و نگران مخاطب‌شان و مایلند با لطافت طبع و گشاده‌رویی قبيله خویش را هشدار دهند!

این دوست داشتنی‌های بی‌ادعا منش‌های خوب را تقویت می‌کنند و در ذم پلشتی‌ها می‌کوشند، به واقع فضیلت‌ها را می‌ستایند و ردیلت‌ها را نکوهش می‌کنند مبالغه نمی‌کنم اما

سرعت انتقال و وسعت نظر از جمله ویژگی های ضرب المثل است که تا اعماق جانست رخنه می کنند:

(پیر سوک مرغ بی آزاریه گل نیل منی صد تو من می خوره)

باریک بینی و نکته سنجی و بذله گویی این ضرب المثل روستایی را تماشا کنید و با من هم عقیده شوید که نکته یابی و نکته سرایی و خوش طبعی در مثل های روستایی چقدر هوشمندانه و خیال انگیز است.

طلاق آبرو نمودن و طنازی، دو پهلو حرف زدن و اندیشه و جنبه های سرگرم کننده از طبیعت مثل های محلی است.

(سر خاکی کریمی را آو برد) هر گلی بویی دارد اما هشدار و خنده ناکی! و گاه ریشخند در این گونه مثل ها طعم دیدن دارد که:

شراب کهنه ما مستی دگر دارد

ضرب المثل هایی از این دست مثل مشغول و تحقیرت می کند، گاه خشمگینات می سازد، لحظه ای لذت می بری و تفریح می کنی تا سرانجام بخنداند!

تفرج در قلمرو ضرب المثل های محلی و خوش کردن وقت شنونده یکی از خصلت های مثل هاست به عبارت ساده بند و قند را سواد و تعارف می کند به واقع نقد عمل کسی را که راه خطا پیموده با صفای روستایی و چاشنی رندانه گوارا می کند تا بگوید هر گردی گردو نیست و هر جا چاهی هست، یوسفی درونش نیست.

نادره های خوشمزه! خیال انگیزی و طربناکی همراه با فراست و البته ارست و نگاهی خردمندانه به اشیاء پیرامون محل زندگی و طبیعت گسترده مقابل؛ با نیت یادآوری و آرزو و غالباً دلگرم کننده به منظور رهایی از غم و غصه اساس اغلب ضرب المثل های محلی را تشکیل می دهد (قشعون آفتیده پشت دمبش)

سخن تند است اما بافت و مایه شوخ و خوشی دارد به واقع خنده انگیز! است.

(روباہ گفت: من دم کنده میرم ولی شما شهر آباد کن نیستین)

ملاحظه می کنید با چه دقت و ظرافت گوینده نکته را دریافت کرده و چگونه در ذهن می نشیند. چه خوب فهم نکته می شود و به راحتی می توان مصداقش را در اطراف خود مشاهده کرد.

و این همه یعنی گنجینه های سرشار از مثل های غنی و عمیق و نفوذ حاصل خرد و حکمت و

ذوق و نکته‌سنجی و صفات روحی و لطافت طبع قومی دلسوز که با کلامی موجز و پیام‌های بلند به قبیله خویش القای تجربه می‌آموزند و آیا حیف نیست این لطیف روان، عامه فهم، مختصر و روشن! ضرب‌المثل‌ها را می‌گویم، به تدریج از سر زبان‌ها بیفتند و آرام آرام رنگ ببازند!

به نظر می‌رسد نسل امروز از ضرب‌المثل‌های محلی سرزمین خود درک درستی نداشته باشند آیا مثل‌ها دستخوش و قربانی تحولات اجتماعی می‌شوند؟

آیا دسترسی راحت روستاییان و شهرستانی‌ها به مراکز استان‌ها و اصرار آنها به همرنگ شدن با جماعت شهری اسباب فراموشی و محو ضرب‌المثل‌ها را فراهم نموده است؟ هر چه شد حیف است متروکه شوند و مورد بی‌مهری قرار گیرند.

یادمان بماند پیران ما، ماهی‌های خردمند و دنیا دیده بودند که برای انتقال دیده و شنیده‌ها و درس‌ها و سرتیپ‌هایی که از تاریخ و روزگار گرفتند به جوان‌ترها و آیندگان به مدد صفای باطنی و مدافعه حاصل عمرشان را به یادگار گذاشته و رفتند تا سره را از ناسره تمیز دهند و بدانند آب رفته به جوی باز نمی‌گردد.

و اما بعد

حسین آزاده شاعر و محقق فرهنگ مردم را با ویژگی می‌شناسم!

اول حافظه غنی با مثل‌ها و مثل و روایت‌های فراوان، دوم بشتکار مثال زدنی‌اش، نمونه ویژگی دوم گردآوری ضرب‌المثل‌هایی است که آزاده از چندین جنبه آنها در مقدمه حرف زده است و به جهت اجتناب از اطناب کلام بنده از هر گونه شرح و توضیح می‌گذرم.

جناب آزاده همواره با اشتیاق از آنها یاد می‌کرد و آن چه از این پس می‌نویسم حاصل سال‌ها حشر و نشر با اهالی و خاستگاه مثل‌هاست و من می‌دانم چه زلف‌ها که با پیران این گونه را از آبادی گره نزد و چه شیدایی‌ها که نکرد تا ضرب‌المثل‌ها به سامان رسید و آخر الامر به اتفاق پیر شیرازی سیراز جمالی به تحریک و تشویقش نشستیم که سزاوار نیست. ذوالفقار علی (ع) در نیام و زبان سعدی در کام.

عبدالرضا لطف الهی

دبیر انجمن ادبی شاعران شیراز

مقدمه

ضرب‌المثل‌ها گونه‌ای کوچک‌تر آن چه مربوط به فارس است گوشه‌ای کوچک‌تر و مجموعه‌ای که بیش‌تر روستان پرده‌ای از کوچک‌ترین گوشه‌ی این دستگاه گوش‌نواز موسیقی کلامی است.

تمام صفاتی که یک انسان خوب و یک جامعه متمدن باید داشته باشد و چیزهایی که نباید داشته باشد با زیباترین جمله‌های کوتاه، صاف، گوشت‌و‌پوست‌آمیز در قالبی خوش ساخت و شاعرانه سفارش و نقد شده است. با کمی توجه به سبک و درونمایه این جمله‌ها می‌توان دریافت که نیاکان ما تا چه میزان حکیم، دانشمند، شاعر (با شعر) و زیبایی‌شناس بوده‌اند. اختصار، ایجاز و گزیده‌گویی به صورت شعر، نثر مسجع، یا دیباچه کم‌جمله‌های کوتاه آهنگین به شکل طرح (هایکو) با موسیقی درونی و محتوای شنیدنی و دلشین چنان تيامتی برپا کرده که شاعران نوسرا خیال نکنند پدیده نوسرایی اختراع و ابداعی جدید است.

نگارنده که پس از گردآوری و تحقیق میدانی و ریشه‌یابی از هر مثل که امکان داشته، تا حدودی در کاربری توضیح داده‌ام، اشاره کوتاهی به برخی درونمایه‌ها کرده و توضیح و تفسیر بیشتر را به عهده استادان و محققان بزرگ، فرهیخته و زیبایی‌شناس وا می‌گذارم.

۱. خوانندگان گرامی توجه دارند که تقریباً همه ضرب‌المثل‌ها طنزآمیز است. خواندن و شنیدن هر یک ضمن اندیشه برانگیز بودن، باعث نشاط و انبساط خاطر می‌شود.

۲. پیوند همیشگی انسان با گیاهان و حیوانات و موارد استفاده بهینه از آنها در بسیاری از مثل‌ها به چشم می‌خورد.

۳. بند و اندرز به روش‌های معمول با سخنانی طولانی و نصیحت‌گونه کسالت‌آور و تلخ است.

اما نیاکان ادیب و طنز ما با کوتاه‌ترین جمله‌ها، پربارترین مایه‌های اندرز را به گونه‌ای غیرمستقیم و با بیانی شیرین چنان ساخته و پرداخته‌اند که به گوش و دل نشسته و نانوشته و شفاهی از صدها یا گاهی بیش از هزار سال پیش تاکنون سینه به سینه به ما رسیده و تا همیشه مانند شاهکارهای ادبی، جاوید خواهد ماند.

انتقاد از بی‌ادبی، عدم رعایت بهداشت جسمی و اخلاقی، گردآوردن مال از راه حرام، ستمگری، خیانت، ناجوانمردی و پرده برداری از چهره ریاکاران و همراه با احترام به کسانی که کارهای ناپسند انجام می‌دهند ولی شایسته احترام هستند با استفاده از صنایع بدیع شاعرانه مانند ایهام و توصیه به صفات پسندیده در سرتاسر مثل‌ها موج می‌زند.

از بی‌ادبان هم می‌توان ادب آموخت. حتی با کلماتی که ظاهری از ادب تهی ولی درون مایه‌ای دیبانه دارند که با ملاحظه فرهنگ عمومی بسیاری از آنها را در مجموعه حاضر نیآورده‌ایم. از به رسم آمده درباره کسانی است که لایق آنند و عبرت انگیز برای نمونه‌هایی که همیشه و در هر جایگاه هستند و خواهند بود.

چه تدبیری می‌توان اندیشید که از مسابقه‌ای پرمخاطره و حیثیتی همراه با به هدر رفتن زحمات سالانه جلوگیری کرد؟ در اینجا هم را در قطعه زمینی کوچک برقرار تا از محصول آن در یک جشن همگانی بخورند و مابقی به نیازمندان ببخشند؟

بخش (ب) برون برون کشی و کله برری.

هنگامی که آسمان بر زمین بخیل شده و خاک نمی‌جانی گیاه و دام و لاجرم تهی‌دستان را می‌گیرد، کوهی از آندوه بر دل مردم از بلای طبیعی سنگینی می‌کند، انجام چه کارهایی مانند اجرای نمایشنامه‌ای همگانی و جشنی هفتگی می‌تواند عمر را غصه قحط سالی را تا نزول باران رحمت الهی از چهره مردم بزدايد، کوچک و بزرگ را شاد و امیدوار نگهدارد و همزمان از ناخالصی انتقاد و احترام به ریش‌سفیدان یا گیس‌سفیدان را به جوانان گوشزد کرده، پیران را به نیایش خالصانه، مخفی و بی‌ریا به درگاه خدا روانه کند؟ بخش (ک) کاسنگ لا

چگونه می‌شود در عین تهی‌دستی، از راهی حلال (گوشت را از گاو بُرید) و سفره نیازمندان را به نعمت نان آراست جز این که انسان چنان مردم‌دار و نیکوکار باشد که نه تنها دوستان را حفظ و حمایت کند که از دشمنی دشمنان با درایت و مدارا بکاهد و رفته رفته آنها را هم دوست کند تا جایی که از نیروی دشمن نیز در جهت منافع مردم خویش بهره‌برداری کرده و در

یاد و خاطره‌ها زنده و جاوید بماند؟ باید کاحسین بود. مانند کاحسین، ردای خرد بر دوش و سرشار از نعمت عقل و هوش، کاحسین گونه رفتار کرد. بخش (ه) هر چی که کاحسین می‌گه

روش کار و گردآوری

بیشتر این داستان‌ها ریشه‌ی ضرب‌المثل‌های معروفی است که در روستاها و بین عشایر اطراف بخصوص شمال شیراز تا سرحد باصری و چهار دانگه رواج دارد. برای تعدادی از آنها آثاری مانند قلعه، غا، سنگ نوشته یا شعر موجود است. اغلب این حکایات را که نام راوی ندارند در کودکی از بزرگترها شنیده‌ام و در روستاها و بین عشایر با هرکسی که سر و کار داشتم و یا چند نفر در یک آفتاب‌خانی را گفته‌اند تا تکمیل شده. بنابراین نام بیشتر راویان را به خاطر ندارم.

بیش از ۱۰۰۰ ضرب‌المثل دارم که نزدیک به ۳۰۰ مثل را برگزیده و تقدیم می‌کنم زیرا در این مجموعه سعی شده آن چه را که در امثال و حکم دهخدا، داستان‌نامه بهمن‌یاری، تمثیل و مثل استاد انجوی، استاد وکیلیان، داستان امثال میر قلی امینی و دیگر مجموعه‌ها آمده تکرار نشود مگر این که روایت جدیدی باشد یا اشتباهی در کارهای ذکر شده بوده که آن چه صحیح‌تر یا کامل‌تر به نظرم رسیده آورده‌ام. از این جهت بی‌بندارم صحیح‌تر و دقیق‌تر است که بعضی از بزرگان از شنیده‌ها و مطالعات خود فرموده، با تربیت به مشاغل علمی خود، امکان حاضر بودن در میدان را نداشته‌اند ولی نگارنده در صحنه و اندیشه با این مبحث سر و کار داشته و در بعضی مراسم شرکت کرده‌ام. پای صحبت پیران و ریش سفیدان جهان‌دیده و خوش مشرب نشسته و نوارهای بسیاری ضبط یا تندنویسی کرده‌ام. با عشایر سنت و نشر داشته و همراه با بعضی روز و شب‌ها در سیاه چادر به سر برده، حرکات حیوانات از جمله شتر را از نزدیک دیده، همراه با کشاورزان نشاء، درو، خرمن کوبی و کرده و ترانه‌های کار را با آنها زمزمه کرده‌ام.

شهرستان مرو دشت قدمت تاریخی دارد. تخت‌جمشید، نقش رستم، پاسارگاد، کامفیروز، بند امیر، گربال، آبرج، کامفیروز، بیضا و بخش‌هایی از این منطقه وسیع هستند که هر منطقه شامل چندین روستا و از آن جا که شهر انشان پیش از هخامنشیان در منطقه مرو دشت پایتخت تابستانی حکومت ایلام بوده، در فرهنگ مردم این روستاها هنوز رنگ و بویی از

باورهای قدیم چه در آداب و رسوم و چه در افسانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها موجود است. در بین مطالبی که از مناطق مختلف فارس جمع‌آوری کرده‌ام، اصیل‌ترین و کامل‌ترین آنها در منطقه مرو دشت بوده. چون عشایر باصری، قشقایی، عرب و لر ... هنگام ییلاق و قشلاق از مرکز و شرق و غرب این شهرها و روستاها عبور می‌کنند و بعضی در اطراف و اکناف ساکن شده‌اند، بیشترین تنوع لهجه و فولکلور را در این مناطق دیده‌ام. بنابراین بیشتر از روایات موجود در این محدوده استفاده شده که همه را به نام مرو دشت نگاشته‌ام. تعدادی از آنها که از روستای بخصوصی به چشمه گرفته و به سایر نقاط رسیده، با نام آن روستا و آنها که به نام فارس ثبت شده، در همه جای استان رایج است.

از استادان بنام قرار تمنا دارم نگارنده را راهنمایی و اشکالات احتمالی را تذکر دهند تا در مجموعه‌ها، دیگر مدنظر قرار گیرد. از کسانی که روایت‌های دیگری از ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، آداب و رسوم یا رسوم دارد دارند تقاضا دارم با اینجانب یا با بنیاد فارس‌شناسی تماس حاصل فرمایند.

امیدوارم که مورد پسند علاقه‌مندان به فرهنگ مردم قرار گیرد.

حسین آزاده

۱۳۸۸